

فرا اقتصاد چیست؟

قواعد و هنجارهای موجود یا مجموعه‌ای از ارزشهای اشتراکی ادراک می‌شود هدایت می‌شود. بیان واژه قواعد با اعتقاد و گمان همراه است (با نیاز به آزمون تجربی) تا برکنشهای افراد و روابط بین آنها در یک بنگاه یا خانوار، همانند روابط میان خانوارها و بنگاههای مختلف تأثیرگذار باشد. افراد با ایجاد شبکه‌های هنجاری و کمک آنها، به بیان چگونگی استقرار اقتصاد در جامعه (و نحوه جاییابی جامعه در اکوسیستم طبیعی) می‌پردازند. هنوز تئوری و اندیشه فرا اقتصاد متمرکز بر روابط درون افراد است تا روابط بین فرد و دیگران (یعنی واژه «ما» یا «دیگران» برای فرد درونی و باطنی است) و پس از آن به انعکاس روابط و هنجارها خواهد پرداخت. همچنین فرا اقتصاد برپایه اصول کار مازلو^۳ در روانشناسی است: به نظر می‌رسد که خود شکوفایی کلیدی است برای شناخت آنچه موجب سعادت ملتها می‌شود، که بصورت دستیابی به روشی دیگر یا طرحی مجزا برای توسعه انسانی تفسیر می‌شود. هنوز هم شرایط ایده مازلو پیرامون تکامل تدریجی در راستای واقعیت بخشی با حدس و گمان به اینکه حرکت بسمت واقعیت بخشی، درعوض ناشی از رفع تنش مدام و تعارض میان تمایلات خودپرستی (علاقه به خود) و تلقینی (علاقه به دیگران یا علاقه به ما) می‌باشد رایج است که: «من برای بودن نیازمند ما است» و هنوز اعتراف می‌کند که: «بدون یک من هیچ مایی وجود ندارد». ما در پی یک فرضیه کم هزینه و یک سیستم یا چارچوب تحلیلی رسمی، جهت مدلسازی این وابستگی

فرا اقتصاد یک نوع متفاوت اقتصاد می‌باشد. یک نوع برتر و بالاتر از اقتصاد خرد که با در نظر گرفتن همزمان اخلاق و اقتصاد بوجود می‌آید و آشکارا به جنبه‌های اخلاقی مانند تعهدات، هنجارها و وجدان افراد توجه دارد و از نگاه منصفانه آدام اسمیت: به رسمیت شناختن یک تعلق دیگر، تلقینی و نودوستانه با استنتاج از کارکرد منظم و بازخورد متقابل آن با تمایلات خودپرستانه و لذت‌گرایی توأم با منفعت شخصی است. ما می‌خواهیم کار صحیح را انجام بدهیم درحالیکه همزمان مایلیم زحمت حداقل و لذت حداکثر داشته باشیم (مزایا منهای هزینه‌ها در بالاترین سطح، مشروط به انجام کار صحیح!). پس فرا اقتصاد هم به بعد مصالح (مبنی بر اصول خودپرستی) و هم به جنبه اخلاقی (تلقینی) توجه دارد. همچنین فرا اقتصاد تشخیص می‌دهد که شاید جنبه اخلاقی درگیر با زیر مجموعه‌ای از تلقین با تلقینی از مجموعه بزرگتر باشد. فرا اقتصاد همچنین نیاز به مدلسازی تمایلات و انضباط خودکنترلی را که منعکس‌کننده توأم نمودن همزیست گونه و تعادل در دو نوع تمایل است، به رسمیت می‌شناسد. به سبب بیان تعهد و معرفی تعادل در همزیستی، فرا اقتصاد پیشنهاد پرکردن فضای خالی درون اقتصاد خرد را همانند فضای مابین اقتصاد خرد و کلان یا کمک به بهبود درک از خرد (افراد) به کلان (خانوار، بنگاه، گروه و جامعه) به خوبی انتقال از کلان به خرد، ارائه می‌کند. فرا اقتصاد همچنین با ماهیت خود بسوی درک و توضیح آنچه از نظر افراد، بعنوان

Metaeconomics.^۱

۲. دکتری اقتصاد کشاورزی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز

Maslow.^۳



تحلیل از نظر روش شناختی، ما نزدیک به اصالت فرد باقی می‌مانیم اگر چه نیاز به کثرت در روش شناسی را به رسمیت می‌شناسیم. شاید تعدد روش شناسی نیز سازگاری بیشتری با نظریه کثرت‌گرایانه طبیعت انسان داشته باشد.

مشابه اقتصاددخرد، فرا اقتصاد نیز با یک مصرف‌کننده مقتدر که دارای علایق و ترجیحاتی است، بحث خود را آغاز می‌کند. در اغلب مفاهیم فنی، ما می‌توانیم شخصی را با دو زمینه مطلوبیت متناقض در پس زمینه ذهن او که بیانگر بخش‌های خودپسندی و همدلی در اندیشه اوست، متصور شویم. بخش سوم ذهن او شامل خواسته‌ها و امیال اوست که بخش خود کنترل و (در افراد روحاً سالم) کنترل کننده گرایش‌های ناشی از خودپسندی یا همدلی است. با رسمیت بخشیدن به امکان وجود دو زمینه متناقض مطلوبیت (لذت و اخلاقیات)، امکان وجود دو نوع کشش متناقض و توأمان ناشی از آنها نیز محقق می‌گردد. بطور رسمی این امر در دو دسته از منحنی‌های بی‌تفاوتی دارای همپوشانی که اشاره‌ای به استعداد وجود نوع خاصی از همبستگی (بین افراد) است و تشریح مساعی در دو نوع مطلوبیت را بیان می‌کند، نمود می‌یابد. کار با این دو دسته از منحنی‌های بی‌تفاوتی مطلوبیت نیز تسهیل کننده تحلیلهای ریاضی گونه پیچیده، معادل آنچه در اقتصاددخرد متعارف وجود دارد، می‌باشد.

ایده منحنی‌های همپوشاننده با نوشته‌های اخیر اتزیونی و فریش^۲ و تحلیلهای تبدالی برن^۳ در روان درمانی و شاخهٔ بشردوستانه/

متقابل بین فعل و انفعال و تکامل تدریجی هر دو تمایل خودپرستانه و تلقینی هستیم تا بصورت ارادی و با نظامی خویشندارانه به ایجاد تعادل یکسان در آن دو پردازیم. تعادل نمادین در دستیابی به یک وضعیت من - تو پس از پدیدار شدن یک هویت متمایز، مرتبه‌ای از وجود است که در آن فرد با دیگران شناسایی می‌شود. این سیر تکاملی بسوی وضعیتی جامع و متعادل نیز با نظریه آنجیال^۱ که متعقد است اشخاص در جستجوی تعادل و یکپارچگی در استقلال درونی (سلطه، استقلال) و وابستگی بیرونی (اشتراک، وابستگی) در یک محیط توأم با فشار بیرونی مداوم یا پیروی از قواعد دیگران هستند، همسو می‌باشد.

فرا اقتصاد می‌بیند که شخص، تحت تأثیر روابط و مطالبات منفعت‌طلبانه گروه‌های مختلف اجتماع (معاشرت تجاری، روابط معاملاتی بین خریداران و فروشندگان، گروه‌های توسعه اجتماعی، مزرعه/مرتع و سازمانهای محیطی همچون خانواده و دوستان) قرار دارد. این مطالبات منجر به تعهدات یا شاید عدم تعهداتی می‌شود. همچنین اشخاص ممکن است به بیان خواسته و نظمی که این روابط را بوجود نیاورده است، پردازند. درجه التزام و سرسپردگی نسبت به یک گروه خاص (و قواعد بیان شده در آن) یک سؤال تجربی است. این مطالبات یا خواسته‌ها از طریق انتقال دهنده قواعد و شبکه‌هایی (سرمایه اجتماعی) که بطور پیوسته گشایش یافته و تغییر می‌کنند، تأثیر خود را می‌گذارند. مرکز توجه اشخاص هستند که با مفهوم اصالت فرد سازگار می‌باشد. در تحقیق و

۱. Angyal

۲. Etzioni and Frisch

۳. Berne



هستی‌شناسی در روان‌شناسی (مثل مازلو) الهام گردید. فیش‌بین و آجزن^۱ نیز در این زمینه نقش مؤثری داشتند، مخصوصاً تئوری آجزن پیرامون رفتار برنامه‌ریزی شده که در آن شخص دارای گرایشات (نفع شخصی)، قواعد و رسوم (نفع سایرین) و کنترل (خودکنترلی، اراده) مدل سازی شده است. ما همچنین به نوشته‌های اخیر خلیل^۲ در سال ۱۹۹۰ اشاره می‌کنیم که مفهوم موجودیت مستقل و متمایز را با نگاهی جدید به ایده ناظر بیطرف آدم اسمیت، مطرح ساخت. مقاله تازه فرانکفورت^۳ در مورد موجود با اراده که انسانها را از سایر موجودات متمایز می‌سازد، نیز دارای تأثیر بسزایی بود. ایده سن^۴ در مورد نیاز به مدل‌سازی فرصتها همانند محدودیتها و نیاز به نگرستن در ورای نفع شخصی افراد، با به رسمیت شناختن خواسته‌های دیگران نیز تأثیر بسزایی داشت. رابرت فرانک^۵ با نوشته‌ای در مورد تعهدات الزامی، با نکته سنجی خاصی، نفع دیگران را از طریق یک خود کنترلی نظام‌مند اظهار داشت. تئوری کلی نگر آنجیال در مورد شخصیت، به ظرافت خاصی با سایر کارها و از طرق مختلف مناسب و هماهنگ است، بطوریکه براساس آن می‌توان سایر کارها را یکجا دید. یکپارچگی چنین ایده‌های مختلفی می‌تواند بخوبی در تحقیق معاصر در زمینه نورو ساینس (نگاه کنید به کوری^۶ ۱۹۹۹، ۲۰۰۰ و مک‌لین^۷ ۱۹۹۰) و "مروری سریع در روش‌شناسی و نگرش جهانی: دستورالعملهای جدید در اقتصاد منابع و محیط زیست" (مجموعه‌ای شامل اسلاید و نکات) دیده شود. ما همچنین پیشنهاد فرا اقتصاد را در انتظار ویلسون^۸ برای یک تئوری رفتار انسانی همچون Consilience بجای اینهمه تئوری مذکور، که در حال حاضر در علوم اجتماعی و دیگر علوم جاری است، مطرح می‌کنیم.

فرا اقتصاد در پی قواعد و ارزشهای اشتراکی، نفع دیگران، جاشازی شده در تئوری دست نامرئی است. این دست مشترکاً فرد و بازار(ها) را بگونه‌ای که مشارکت اختصاصی گفته می‌شود، هدایت می‌کند. فرا اقتصاد همچنان

به فرد بعنوان انتخابگر نهایی یا منشاء اثر می‌نگرد، درحالیکه هنوز تمایلات تلقینی هر فرد (با جنبه اخلاقی زیرمجموعه‌ای ناشی از حوزه تلقینی مطلوبیت) را از طریق بیان تعهد و خواست و اراده، به رسمیت می‌شناسد. بعبارت دیگر، فرا اقتصاد صراحتاً به معرفی جنبه اخلاقی با تصدیق "منفعت ما یا دیگران" می‌پردازد و این جنبه را بعنوان یک محرک (علم اقتصاد رفتاری) که کششی پایدار و اغلب در تضاد با و مساوی با نیروی محرک بیان شده بعنوان منفعت شخصی تصدیق می‌کند. فرا اقتصاد همچنین توجه را بسوی آزادیهای مثبت و مسلم (فرصتها) در تعادل با آزادیهای منفی (محدودیتها) جلب می‌کند، نزدیک به ایده سن. این می‌نگرد به چالشی برای این انتخابگر متمایز بعنوان یک موجود مسلط بر خود (با

۱. Fishbein and Ajzen

۲. Khalil

۳. Frankfurt

۴. Sen

۵. Robert Frank

۶. Cory

۷. MacLean

۸. E.O. Wilson



عینی، تبدیل به موضوعات ذهنی و معقول می‌شوند، آنهم در اثر اینکه هر قیمتی یا هر هزینه‌ای از گرایش‌های تلقینی اثر می‌پذیرد و توجه شخص تحت تأثیر قواعد و معیارهای موجود قرار می‌گیرد، درحالی‌که هنوز دارای آزادی عمل در مورد انتخاب(های) خودمی‌باشد. هنوز هم قیمت‌های نسبی ظاهراً تعادلی وابسته به هم‌زیگری بین منفعت شخصی و منفعت سایرین ایجاد می‌کنند: کالا/ لذت و جنبه اخلاقی/ نمادین بنحوی ناگشودنی در هم تنیده‌اند. ما از منظر اخلاقی که در آن ارزشها همواره برونزا و داده شده فرض می‌شوند به منظری دیگر که در آنگاه جنبه اخلاقی از سوی قیمت‌های نسبی بوجود می‌آید، حرکت می‌کنیم. ما پیشنهاد موضوعیت جنبه اخلاقی را در محاسبه منفعت - هزینه نه بی‌شبهات به آنچه در جنبه ماده هست، مطرح می‌کنیم اگرچه هنوز هم معتقدیم که گاه یک جنبه اخلاقی متافیزیکی لازمست تا منفعت شخصی را مغلوب کند (همچنین که نفع شخصی لازمست که گاه جنبه اخلاقی منفعت دیگران را مغلوب سازد). این نیروها دارای تنش پایدار و متناسب با یافته‌های نوروساینس در مورد نحوه شکل‌گیری و برنامه‌ریزی مغز می‌باشند (نگاه کنید به کوری ۱۹۹۹).

هنوز با همه این ادعاها، ما اعتراف می‌کنیم که آنچه فرا اقتصاد ارائه می‌کند، یک تجمیع محض و انحصاری از ایده‌های شناخته شده و ساخته شده در علم اقتصاد و سایر علوم اجتماعی است. ما ادعا نمی‌کنیم که آن جدید و بی‌همتاست. همانطور که لسترا (سال ۱۹۹۵ ص ۱۶۱) در خصوص نیاز به یک نظریه‌پرداز، بمنظور تلفیق و تجمیع نظریه‌های فراوان روانشناختی پیرامون شخصیت، و ارائه یک نظریه جدید بیان می‌کند، "چنین وظیفه‌ای نیازمند خدمات شخصی است درباریابی، زیرا ایده‌ها جدید نخواهند بود، بلکه صرفاً ایده‌های قدیمی در فرم و بسته‌بندی جدیدی عرضه شدند." در هر صورت، فرا اقتصاد تنها بسته‌بندی جدیدی از ایده‌های شناخته شده است، اگرچه ما معتقدیم که تجمیع اجزاء و لذا بسته‌بندی در جای خود منحصر بفرد است.

خواسته روشن، موجود منظم‌شده) و نمایان شده بصورت یک موجود متمایز که بازتاب دهنده پیگیریهای شخصی در زمینه منفعت شخصی و منفعت سایرین بطور همزمان می‌باشد. در نتیجه فرا اقتصاد بسط می‌دهد انتخاب عقلایی که حاصل اراده و کنترل روی خویش است، بمنظور تجمیع نمادین و تعادل میان خودپرستی و تلقینی در قالب تئوری، و موجب می‌شود تا اقتصاد، قیمت‌ها (ی نسبی) را دارای مفهوم اخلاقی و معنوی فرض کرده و جنبه اخلاقی حاصل از قیمت‌های نسبی را و لذا پیشنهاد به نامرئی ... مرئی بودن آنها را مطرح کند. با این همه فرا اقتصاد همچنین در پی آنست که نشان دهد چگونه ضمیر و خود بر یکدلی و تلقین تأثیر دارد و لذا چگونه قیمت‌ها (ی نسبی) موجب جنبه اخلاقی شده و یک نوع بازتاب هم‌زیگری در کار را می‌نمایند. قیمت‌ها و هزینه‌ها بجای مفاهیم ارزشی